

شبهه ۲۹۹: غرض بیامبر (ص) از خطبه غدیر، لزوم محبت امیرالمومنین (ع)

در برابر شکیبایی برخی از مسلمانان بود که این با استیان همراه بودند:

با بررسی سفرهای آقا امیرالمومنین (ع) به بین نساوت‌های زمانی و مکانی و

محتوای شکیبایی علی مزبور با حدیث غدیر (که شکار ساخته است).

این ماجرای غدیر از وقایع بسیار مهم در تاریخ اسلام بوده و ثمرات زیادی

در حوزه‌های علمی، رفتاری مسلمانان برجای گذاشته است. به خاطر اهمیت

این واقعه اشکالات مختلفی مطرح شده که در این سبب یکی از اشکالات وارده است.

این سبب، ساعتی نسبتاً طولانی در کتب مخالفان شیعه به خود در است. اولین

کسانی که این سبب را طرح کرده‌اند، بیوق در «الاعتقاد» این کثیر قرسی

در «البرایة والنهاية» آمدند و با بیان همین سبب پرداختند و با همسک

بسیار، رهبری و خلافت بلاغصل حضرت علی (ع) را انکار نمودند.

بر اساس مدارک تاریخی، بیامبر (ص) قبل از انجام ذکر این حج خود،

سنگری را به فرزندان خالد بن ولید به یمن فرستادند. خالد بن ولید بن مخزوم

تقسیم غنائم مقررین است از طرف دیگر پیامبران اسلام من خواستند از

وسائل به عنایت ترغیب شده است تا ده کنند اما حضرت مالک شدند و به همین

صفت و برخی از افراد حاضر در ای سپاه از جمله خالد بن ولید، جبرئیل بن الصبی

و نسبت به حضرت علی (ع) بغض وینه داشتند، کینه های خود را به صورت

شکایت از عملکرد ایشان در جلوتی تقسیم غنائم جنگی به حضرت رسول (ص)

اقرار می کردند پیامبر به ظاهر ایند از این کینه توزی ها جلوگیری کرده و از

خون حضرت علی (ع) دفاع نمایند در راه بارگشت به مدینه و در مکانی به

نام غدیر، حدیث غدیر را بیان فرموده و عنین آن همان به حسب علی (ع)

دعوت می کردند.

با سبب نتیجه : قضاوت صحیح در باره در واقعه تاریخی، از این صفت

که آیا یکی از آنها صفاً تراژدی است یا نه؟ اقتضای زندگی مردمی که آنجا
 به لحاظ زمان و مکان و شرایط دیگر، بطور دقیقاً مشخص شده باشند متفاوت
 صحیح در خصوص تأثیرگذاری شکایت لشکریان بین بر واقعه غدیر نیز
 مستلزم درک تاریخی جامع از مردم و واقعه است. در این کتاب جان غدیر
 ۱۸، ذی حجه سال ۱ هجری و منتهای پیامبر (ص) و مسلمانان
 در سفر حبه الوداع رخ داده اختلاف وجود ندارد. اکنون باید ببینیم اصبر
 الهمعین (۱۶) کی و در چند روزت به همین سفر کرده و شکایت برخی از افراد علم
 استبان نزد پیامبر اکرم (ص) کی و کجا واقع شده تا بتوانیم درباره ارتباط
 آن با واقعه غدیر راوری کنیم. شکایت مطرح شده در سفر، هیچ تناسب
 و ارتباطی با واقعه غدیر حتم ندارد. این مسافرت و شکایت آن (سال ۸ هجری)
 و قضیه غدیر حتم (در سال ۱ هجری رخ داد).

سوم: در این سفر حضرت از طرف پیامبر اکرم (ص) برای انجام قضاوت

به سرزمین یمن که امالی کن تاز به اسلام گردید، بودند فرستادند.

احمد بن حنبل در مسند، درباره این مساعرت نقل می کند:

علی (ع) گفت: رسول (ص) مرا به یمن فرستاد و من گفتم: ای رسول مرا به

سوی قحص می فرستید که آن بزرگتر هستند و من جواب دادم: ای رسول مرا به

پیامبر (ص) دست مبارکشان را روی سینه ام گذاشت و عرض کرد: خدا یا

زبان او را ثابت و استوار کن و خلیفتش را هادی کن. ای علی هنگامی که دو نفر

پیش تو نشستند بین آن دو قضاوت کن مگر آنکه سخن دیگری را شریستی

همانطور که سخن اولی شنیدی پس اگر این کار را کردی قضاوت بر تو روشن

می شود. حضرت فرمودند بعد از آن دعا هیچ قضاوتی بر من مشتبه نشود

یا هیچ قضاوتی بر من مشتبه نشود یا هیچ قضاوتی بر من سخت نبود.

(حنبل، ص ۱ تا ۵۴۴)

سفر سوم : این سفر در سال ۱۰۱ هجری و تقاضا چند روز قبل از عزیمت پیامبر

به حجة الوداع انجام گرفته است هدف از این سفر جمع کردن اموال و

زکات بود و حضرت در این سفر، امیر و فرمانده صحابه دیگر بودند.

ایشان یکی از صحابه را بعنوان جانشین خود در سبأ مقرر کردند و برای انجام

فریضه حج راه شدند (این هنگام طبری،) این استخوان از موهظان

صومر اصل تنگ به نقل از یزید بن طلحه بن ... در این باره می نویسد:

هنگامی که علی از یمن حرکت کرد تا رسول را در مدینه ملاقات کند به سرعت

آمده و جانشین برای سپاهش قرار داد. سپس آن حضرت^ص به مردم مدینه از صحابه

یک لباس از لباس های را که همراه حضرت و از اموال شخصی بود پوختانید.

سپس منطاحی که آن سپاه نزدیک مدینه حضرت (عم) خارج شد تا آنان را

ملاقات کند تا آنها را دید که لباس ها را پوشیده دارند به آن مرد فرمود: این چه

کاری است که کرده ای؟ گفت: جز آنست منطاحی که وارد مدینه می شود

آراستہ باشند، حضرت فرمود: وای بہ تو! قبل از آنکہ بہ حضور رسول

بہ سبب آنکارا در آوری، پس آن مرد لباس ہارا در آورد و آنہارا در گرداند

نیایمان از این کار شکایت خود را از حضرت علی (ع) بہ حضرت رسول خدا

اظہار کردند، پس پیامبر صلی علیہ وسلم فرمود: ای مرد ہم از علی شکایت

نکنید، بہ خدا اورد، ذات خدا یاد، در راہ خدا حکمت و باصلاحت تردد آن است

کہ از او شکایت متواند، پس امتیان ادامه دادند، حجستان را انجام دادند

مناسک و اعمال، ابصر ہم آموختند، (ابن ہشام، طبری،

فہرست منام، ابن جنبل، شیخ، احمد، بیہقی)

مسند، تحقیق شعیب الارزوف

عاصم، موسسہ قرطبہ

شیخ سلیم البشیری می گوید: در حدیث غدیر مرتضی ای وجود داد که گفته

«صولی» را به معنای صحبت صلح می کند و آن این است که این حدیث بعد از

واقع شدن بیان شده که در بین اتفاق افتاد، بر ضد او بر من مقام کردند

در اصول فدا (ص ۱) در روز غدیر خم در صدر مسجد و صبح حضرت علی (ع)

به آمدند تا جلالت قدر او را بیان کردند و در مقابل کسانی که به حضرت علیه

گروه بایستند (المیراجات ۱، ص ۵۸)

صولی تیره می گوید: در سبب این ظلمه - آن طور که صورتی و سیره و نویسی

می گویند - این بود که جماعتی از اصحاب که با حضرت علی (ع) در این بودند

اعتقال بریدند؛ اسلمی و خالد بن ولید و دیگران از مشاهیر قرار دادند که

هنگام بازگشت از جنگ بر ضد حضرت علی (ع) نزد پیامبر شتافت کنند.

پیامبر بعد از مشاهده این صحنه در روز غدیر مردم را به صحبت علی (ع)

دعوت کرد.

✓
ص

پاسخ : اولاً پیامبر (ص) در همان مجلس معترضین را از اعتراض بر ضد

حضرت علی (ع) بر ضد داسنت و سبیا فرمود : از همان علی چه می خواهید ...

ثانیاً : مطابق بسیاری از روایات واقعاً عذیر برابر خداوند (و) است

بنیجهت تکالیف عدهای از حضرت

ثالثاً : بر مریض اشخا دو قضیه دلالت حدیث عذیر بر سر پرستی و امامت

لما هم است زیرا اعتراض بریده و دشمنان به جهت تصرف در غنائم ،

قبل از تعیین آن بوده است که حضرت رسول (ص) با ذکر ولایت داسنت

او را آن حدیث و این حدیث بر این نکتہ اشارہ می کند که او حق هر

دویم نفرین را دارد زیرا او امام و ولی خداست

رابعاً : واقعاً عذیر حرم بعد از قضیه بریده بود و هیچ کس از باطنی

به آن ندارد سید شرف الدین می نویسد : (پیامبر (ص) ، حضرت

علی (ع) را دو بار به سوی عین مرستاد سر تبه اول در سال ۸ هجری بود

(سیره نبویه، زمین و طلال در شایسته سیره عابیه، ج ۲، ص ۳۴۶)

در آن سر تبه برقی شتابت اصیر المومنین (۴) را نزد رسول خدا بعد از

بازگشتشان از یمن نمودند در آن هنگام رسول (ص) به آنان غیب

گرا و آنان نیز با خود عهد کردند تا دیگر بار در حضرت اعتراض نکنند

بار دوم در سال دهم هجرت بود (سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۱۲)

در آن سال، پیای صبر (ص) پرچم را به دست علی (ع) داد و بادست

مبارکتش محامه ای بر سر او بست و باد عزیمت فرکت آن و تم کس

توجه نلن در این سفر کس شتابت حضرت را از رسول خدا (ص)

نگرد و بر او عمامه نهد. حال چگونه میگرد است که حدیث غدیر مسبب

از اعتراض و شتابت برید و امثال او باشد (المرآة، ص ۳۷)

خاصاً یہ عرض کہ جس پر صند حضرت (۴) طلبی را اُفتد است،

و عین ندارد کہ پیامبر نص، این جمعیت عظیم و در صدرا بی سوزان

بجہت یک امری جزئی و کوچک جمع کند و این مقدار بہ آن بها

(صد)

سادساً: اگر مقصود رسول نص، مجرد بیان فضیلت حضرت امیر (۴)

و رد بر اعتراض کنندگان بر او بود باید بہ طور صریح این مطلب

را بیان می کرد، امثال آن کہ من فرمود: این شخص بسرعم و

داماد و پدر عزیزندال من رسید اصل بیت من است، او را

اذیت نکلید و س، کلماتی کہ دلالت بر جلالت قدر و عظمت حضرت

دارد، سابعاً: از این حدیث شریف، ما غیر از معانی اولی بہ تصرف

و سربرستی و امامت معنای دیگری متبادر بہ ذهن نمی نتواند

حال سبب ذکر این حدیث، امری بہ من خواهد باشد، ما الفاظ را

حاصل به معنای حقیقت آن می نماییم و به اسباب آن کاری نداریم و معنی ما

آن که قرائن عقل و نقل نیز این معنای تأیید می کند

منبع: کتاب خودشناسی و باطن‌پژوهی - علی امین‌زاده

همچنان باطل هرگز برای اقبالش حرفی نطق ندارد و با آن عقل و دقت

بی پایه و اساس بودن ادعاهای اهل باطل مستحق عقوبت است. این ادعای

اهل باطل مستحق عقوبت است و اگر علت اجتماع عذیر و عفو کدورت و ناراحتی

عدسی بود که به خاطر غنا بر این ناراحتی بودند:

اجرا پیامبر در اجتماع عرفات، مستغرونا در یک سفرهای این موضوع را

مکرم نکرند؟ آنچه لزومی داشت برای عفو این کدورت، سه روز

مسلمانان حسنه از انجام مناسک حج را در آن هوای سوزان و سرزمین

بی آب و علف نکرند؟ چرا در قطب طولانی رسول هیچ اشاره ای

هر چند کوتاه به موضوع ناراحتی برخی از مسلمانان از حضرت به خاطر

غنا نکرند؟ ۴- اگر هدف اجتماع عذیر و عفو کدورت است پس آمده،

بودن علت بیعت گرفتن از مسلمانان برای امام علی (ع) چه بود؟

باعتبار در حدیث امامزادین است سووی عندهم که این واقعه صحیح است یا نه

باعتبار شکایت سیاه زمین ندارد